اثر

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

آثر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

سال دوم شماره ۱۹۴ — صبح پنجشنبه ۶ مهر ماه ۱۳۲۳ — تک شماره یکریال و نیم

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

چاپ اداره:
(خیابان لاله‌زار ـ باسار بهار)

ما شما را میشناسیم!

آیا مجلس را باید بست؟

بعضی از روزنامه‌های تهران در اطراف بستن مجلس چهارده بحث و مناقشه جدیدی آغاز کرده‌اند. بعضی مهملی و بیمرضگی وجنبه اتوریتهای اکثریت وکلا را پیش کشیده میگویند «مجلس! برای مدافعه از حقوق ملت و مردم است این مجلس دارد آن حق را زیر پای خود پایمال میکند. بنابراین ادامه آن ضرر دارد ولی دیگر میگویند مجلس هر چه تشکیل شده روی اکثریت نمایندگان از هر طبقه و از هر تیپ گرد آمده باشد باید فعالیت خودرا ادامه بدهد.

مادر گوینده و نویسنده هر دو طرف رندایم. اگرچه همین مجلس چهارده دوحق مهمترین و بزرگترین ایالات ایران غیرقابل جبران ترین حق آشی و حیاتش را بکار برده است با وجود این بستن آن در این هنگام باریك بعقیده ما بزرگترین خبط هاست.

ما از مجلس باطرز انتخابات امروزی انتظارات زیادی نمیتوانیم داشته باشیم مجلس سیزده بدبود چهارده از آن بدتر است بلکه پانزده از هر دو بدتر خواهد بود حرف سر این نیست ما مجلس را بیشتر برای تربیت توده برای باز کردن چشم و گوش مردم لازم داریم.

اگر بکنفر نماینده مبرز داشته باشیم و او بتواند حرفهای خودرا از میدون مجلس بزند یك موفقیت بزرگی است امروز ما در مجلس نمایندگان بسیار خوب و مبرز داریم و برای انتخاب آنها زحمت بسیار کشیده شده است بچه امید میخواهیم این تربیون را از دست بدهیم؟

اما برای ما شخصا بستن مجلس و جدید انتخابات بسیار مفید است شاید برای مردم تبریز مفیدتر باشد. این یك مجلس جداگانه است. ما برای تجدید انتخابات تبریز چقدر مبارزه میکنیم و این مبارزه را در آینده شدیدتر خواهیم کرد.

با وجود این مجلس را باید نگهداشت کارهای مفید آن جلوگیری نمود. مدافعه بدبختی کارهای اجتماعی نمایندگان اصلاح جلوگیری کرد.

تازه باین سهولت مگر میشود در تبریز بست. اگر آن شخص یك وعده‌ای که بتواند آن کار را بدون شورش تبریزی شورش انجام بدهد آن کار سازمانیکه باید ما را اطمینان بدهد که انتخابات دیگر پتر خواهد بود؟

هم اینها کمتگوی بچگانه است ما این مجلس بدبرا که در گزینش نامزدها حق ما بکار برده است مفید و لازم می‌بیم. بالاخره مجلس نمایندهٔ ملت حاکمه در پارلمان مثل قوت طبقه است معنا حکومت را در دست دارد. تا قوت ملت قدرت پیدا نکرده حقوق در انقهبیده منافع مادی و معنوی سیاسی واجتماعی خود را تشخیص نداده است همیشه همینطور خواهد بود.

برای ما چه کرسی دست چپ که در دست داریم نقیبت است پشت آنها بگیریم زور خودرا روی زور آنها بگذاریم تا بدینواسطه برای اشخاص چدیتر و مبرزتر راه باز شود. ملت عملا احساس بکند که اگر آدمهای خوب را برای نمایندگی برگزیند کارهایش بهتر خواهد شد والا همه این بحث و جدال یکدینار ارزش ندارد

اگر جای مجلس یك سازمان ملی صالحی بود، ما مخالفین ادامه آن هم آواز میشدیم مخالفت ما چنین سازمانی وجود ندارد و معلوم نیست این صداها از حکومت مناصر بست نرو کثیف تر و هر تیشتری بیرون نیاید. اگر چه ما میان اشخاصی که طرفدار بستن مجلس هستند آدمهای خوب سراغ داریم ولی این کافی نیست این آدمهای خوب بی مطالعه حرف میزنند

یک آزمایش ساده

بنظر ما یکی از این آزمایشها تجدید نظر در رد اعتبار نامه نمایندگان تبریز است که بدون سبب بر خلاف تمام اصول پارلمانی صورت گرفته است. فراکسیون آزادی که پس از رد شدن اعتبارنامه آقایان خوئی و پیشه وری با فراکسیون توده و گروهی از منفردین هم آواز بود و فریاد میزد که نظرهای خصوصی و حب و بغض اکثریت موجب رد شدن این دو نفر بوده و معتقد بود که ماده ۷ قانون اساسی را با سوء نیت تفسیر کرده‌اند. چندین میتوانند امروز با اشخاصی که بی «پرنسیپ» و «وغرض ران» تشخیص داده بود همکاری و همفکری کند، فراکسیون آزادی برای رفع هرگونه سوء تفاهمی موظفست که در هیئت ائتلاف این موضوع را بمیان آورده اکثریت را وادار سازد که در این امر تجدید نظر کنند و هرچه زودتر لکه تنگی را که از این جهت بر دامان مجلس نشسته است بشویند.

نقل از شماره ۲۷ روزنامه امید

آقای صالح

خاطرات جمع باشد!

شما این هیاهو را نگاه نکنید! قضات هم از آسمان نیامده‌اند، اینها از کشورهای خودمان هستند خودشان ماهالا و در هنر خود ورزیده‌اند، ورزده بنده دست کمی از وزیر ندارند، دنه انهای اغلب اینها را وزیر بی کند کرده است. توی اینها اشخاصی را سراغ داریم پلیسهای اداره سیاسی شهربانی مخاری از آنها شرف نزند باسم وزیر میفرمایید پرونده‌ای را مطالعه نباید بکنند و صحبتی ندارد باسم خودشان مطالعه خواهند کرد.

خودشان اسمهای همه کاره هستند مالاتنه با تغییر و تبدیل قضات مخالفیم میان قضات اشخاص خوبی هم یافت میشود ولی علاقه‌ای را سراغ داریم که میشود هم از وزارت دادگستری و نشان کوتاه نشده دزخیمان که برخلاف نص صریح قانون اساسی اشخاص را بانهام استمرار درحقیقه سیاسی، پس از دعاوی بلاتکلیفی محکوم میکردند هنوز هم درمیان قضات زیاد است اگر راست میفرمایید (معتقدم که شما شخصا بی غرض هستید) دست نایاك قضائی را که در دوره پهلوی شریك جنایات اداره سیاسی بوده‌اند از هدایه کوتاه بکنید

اگر میخواهید برای این کشور کار بکنید عناصر پلیدی را که در این کثیف دوره دیکتاتوری را بچسبانی تکلیف آنها را از کار دولتی محروم بکنید شما تنها شخص آقای صالح! شنیده‌ایم آدم درستی هستید. خودتان باید تصدی بکنید که درستی تنها کفایت نمیکند باید جدی و فعال و بیملاحظه هم باشید.

فرمایید در روزنامه‌های تهران هر چه در خصوص اخلاص و دزدی نوشته شده است برای شما جمع آوری بکنند هم آنها را مدرك قرار داده باختیار دادستانها بگذارید. اگر مدیران جرایید تهمت زده باشند باید آنها را مجازات کرد اگر واقعا دزدی و اخلاص را تکرر بکنند آنها میتوانند اتفاق میافتد باید تدبیر جدی تر اتخاذ کرد.

مجازات اخلاص و سوء استفاده بسیار خفیف است شما باید در دورهٔ پروژه‌ای بمجلس تقدیم کرده در آن برای مختلس جزای اعدام قرار بدهید و برای وسیعه که محاکمه قطعی هم مدت کوتاه معین بکنید.

اگر شما در دورهٔ پنجم که پروژه‌های مختلفین را صالحا واکنش کنند اینها مجازات سختی را خواهید

افسوس که با وجود این مجلس و این دولت همه اینها افسانه است شما هم با همه حسن نیت که دارید کاری از پیش نخواهید برد اساس و پایه خراب است بیدادگری ریشه دارد.

از مسائل اجتماعی

انگلیسها برای بعد از جنگ

چه نقشه‌هائی میکشند؟

ما چه میگوئیم و چه میکنیم؟

بریتش کوینده رادیوی اندرراجع به پیمهٔ اجتماعی مطالب سودمندی اعلام نموده، از قرار معلوم دولت انگلیس این موضوع را بسیار اهمیت میدهد. تقریبا بیست ماه پیش یکی از دانشمندان بزرگ انگلستان دوانین خصوص پروژه‌ای تنظیم کرده دو ماه پیش آنرا بدولت پیشنهاد نموده بود. بنا بگفته راد و لندن آن پروژه را دولت انگلیس پس از سه روز مذاکره صورلا بارای مجلس بدیرفته آنرا یك پیشنهاد عملی و جدی تلقی کرده است.

در این خصوص بواسطه نشر مخصوصی (کتاب سفید) بعموم ملت مراجعه شده خواسته اند هر کس نظریه خود را بگوید تا دولت توانداز افکار عموم بهتر استفاده نماید.

دانشمندان انگلیسی چنین احساس کرده اند که مدتها از جنگ نمیشود با طبقات گوناگون مردم مانند صاحبان صنایع و مردم بالاخره کاری باید کرد که افراد ملت بهم فردا را فراموش نکنند از فلاکت و بدبختی و تباهی و بیچارگی و بیکاری بهر قیمتی هست جلو گیری بعمل آید. برای این کار منابع گزافی تخصیص داده خواهد شد.

بدون استثنا طبقات مردم انگلستان در مقابل فقر و بیکاری و حوادث بیمه شده هر فرد از افراد انگلستان از اثاث و ذکور از پیر و جوان بفراخور حال خود از این منبع اجتماعی استفاده عملی خواهد گرفت.

انگلیسها معتقدند که بعد از جنگ بحرانهای عظیم اقتصادی و سیاسی پیش خواهد آمد.

اثرات شوم جنگ در اشکال گوناگون ظاهر خواهد گردید اما بیمه اجتماعی یك گذشت ساده است که خیال میکنند میشود بواسطه آن از این پیش آمدها جلوگیری نمود ما اینقدر خوشبین نیستیم ممکن است فلاکت و بدبختی زیادتر از آنچه که تصور میکنند باشد.

با اصلا طبقات مظلوم بخواهند قدم های سیاسی جدی تر بردارند خصوصا موضوع نهضت اجتماعی و مبارزه میلیتانی را بدان سوداد بعضی ما نمیشود حل کرد باوجود این بادین را بکار زیاد بسیار بی جا و دلالانه دانشمندان معاصر انگلیسی میدانم.

تا بحال بیمه اجتماعی را فقط اتحاد جماهیر شوروی توانسته است معمول دارد. و تصور نمیرفت تا حال در سیستم سرمایه‌داری بخود این کار را عملی نمود.

در سیستم اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی این کار ساده و سهلی بود تصور میکنیم امروز این نقشه عادلانه اجتماعی در آنجا کاملا عملی شده باشد ولی برای ممالک سرمایه‌داری کار بسیار مشکل است.

باقی در صفحه ٤

کریم کشاورز

جناب رئیس فرموده‌اند

نباید سهراب را بکشند

شبی چند بود که گل مولی در قهوه خانه ..... واقع در بخش ..... طهران برای «شنونده‌گان محترم» قصه رستم و سهراب را میگفت.

از وقتی که قصه آغاز شده بود مشتریان و فروش قهوه خانه مضاعف گشته بود. گل مولی تمام قوت های کاسه‌گری و لم‌های را که از استاد باد گرفته و با از تجارب خویش کسب کرده بود بکار میبرد. وقتی لب سخن میگشود همه گوش میشدند، صدای پر مگسی را میشد شنید. حتی مرده‌ها هم حبس می کردند و نمیخواستند یك جمله، یك سخن، یك حرف وحتی یك زیر و بم، یك نفس نقال را نشنیده بگذارند. گل مولی هم الحق داد سخن می داد. موقعیتش میان این پارهه‌ها و دخترها از موقعیت صبحی میان چاهها کمتر نبود.

هرطرف بقیه را جای پرتگاه آنجالی که باید نتیجه گرفته شود با قول فرنگیها «وقع» «تومان» نامنام می گذاشت. «شنونده گان محترم» را نشانه می کرد. منتظر میگذاشت. هر کدام بغانه میرفتند در این اندیشه بودند که چاقش فردا تنبی زودتر بدهد و بعضی محضر گل مولی میرسیدند و باقی قصه را گوش میدادند. گل مولی تنها قصه نمیگفت - تمام رلهای پهلوانان قصه را هم بازی میکرد.

پهلوانی رستم وزورآور تهمتنه و شجاعت وصباحت منظر سهراب و بیوفائی کیکاوس وحدهٔ افراسیاب وحمال الحطب بودن هژیر وشاه‌بل گیو و جنگ رستم و سهراب و همه چیز این افسانه تاریخی را باحرکات دست وسر وانوجاج لب و چشم وباد درگلو افکندن و صداوا زیر وبم کردن وفریاد زدن آهسته غریدن مجسم میکرد. شب چهارم دامنان را بجائی رسانده که رستم باید سهراب را بکشد. نفس ها بریده شد، سکوت مرگ آسائی حضارا فراگرفت.

انتظاری که شدید تر از مرگ است قلوب و عقول را مسخر کرد. همه بیش ازهمه وقت گوش بودند. گل مولی هم چه خوش بود از دولت «شنونده گان محترم» فقوه چی راه بود بنا گهان دامنان را قطع کرد و پایان داستان و دوران و چراغ نه را به شب دیگر محول کرد.

آن شب ..... همه زودتر از شبهای پیش حاضرشدند ولی گل مولی قدری دیرتر آمد. دلها می تپید. میخواستند این نتیجهٔ را که همه میدانستند و پیش ازوقت اطلاع داشتند از دهان گل مولی بشنوند زیرا گل مولی واقعا در نقالی، درکارخود، آتوریت بود.

باقی در صفحه ٤

چه باید کرد باز هر قدم خوبی که برمیدارند نقیبت است

اگر اشخاص را برای پایان کردن حق بست نفر رفته گیر میتوانستید بدادگاه بکشانید آنوقت می گفتیم دارید عادلانه کار میکنید حق دارید وزیر عدلیه باشید.

افسوس که کار دست قلدرها وزورگویان است و شما از نیت خوب خود حاصلی نخواهید برد

www.iran-archive.com

دو کتاب از آقای بزرگ علوی

۱ - ورق پاره‌های زندان ۲ - پنجاه و سه نفر

ورق پاره‌ها را چه‌جور نوشتند

بزرگ علوی ورق‌پاره‌های زندان را در مجلس نفر در حضور من قلم آورده است شاید اغلب داستانهای آنرا پیش ازهر کسی برای من خوانده باشد .

علوی مانند همه شعرا و نویسندگان احساساتی در حالت جذبه چیز مینویسد . اورمه آلیست است ، و آلیستی که احساسات درونی خود را باسرگذشت حقیقی می‌آمیزد و بآن روح وقوت میدهد .

من علوی را شاید از تمام نویسندگان معاصر بهتر شناخته باشم . او هیچگاه میخواست سرگذشتی بنویسد حالت مخصوصی پیدا میکرد من پیش خود می گفتم باز مرغ هوان نوول خواهد نغمه بگذارد سرش را بپائین می‌انداخت باسرعت برق دور ناحیه زندان قدم میزد . از زندانیان دیگر دوری میجست یعنی خود من هم نزدیک نمیشد . فقط بدرد بای احساسات غوطه‌ور بود مانند غواص میخواست از عمق آن مروارید غلطانی صید بکند . من با کمال اشتیاق خودرا برای شنیدن یک سرگذشت یک نوول خوب حاضر میکردم . پس از یکهفته نوول نوشته شد بود . در این مدت او اطراف قهرمان داستان سیر نموده بود و من در اطراف خود او

او از زندانیان نمیتوانستم را گیر میاورد سرگذشت آنها را قوی قوتی مقوای قوتی سیگار یا بعد پاره‌های دیگر که پیدا میشد یادداشت مینمود من خود او را تتبع کرده از مشاهده فعالیت بی‌نظیرش لذت میبردم .

مدتها او بیکهفته اشتغال شدید نویسنده جوان با خاطر آسوده فرصت پیدا کرده پس از تحقیق اطراف کار بدور اطمینان کامل از نبودن پاسبان و زندانیان مطلعون مراتبها در طاق گیر میاورد نوول تازه را برایم میخواند و خواهش میکرد نظر خودرا بگویم

مدتها بود من صدیق بلاتصور نمیکنم و از تکذیب و تنقید بی‌اساس نیز خوشم نمیاید .

بادنك و سایر داستانهای او رامن بسیار دوست میداشتم تهرمان آن داستانهارا می‌شناختم از روحیه و از سرگذشت هریك از آنها مطلع بودم .

سرگذشتهای کتاب ورق پاره‌های زندان بعقیده من بهترین نمونه آثار رآلیست شاعرانه‌ایست که بایك دیرین (سمبولیك) قلم آمده است . علوی در یك فرد تیپ و جمعیتهارا در نظر خواننده مجسم میکند در نوره لهای او قهرمان نماینده تیپ است اخلاق و روحیه تیپ درفرد ظاهر میشود در صورتیکه خود فرد یعنی قهرمان کاملا شخصیت خودرا حفظ میکند

استیل بزرگ علوی شاعرانه است جمله و عبارات کوتاه او گاهی غزلیات حافظرا بخاطر میآورد که هر بیت آن معنی مستقل دارد . او تمام غزل هم یك شیوه دیگر گرفته میشود . ودرتمام نوول یك آهنگی (هارمونی) وجود دارد که انسانرا جلب میکند .

علوی گاهی به ایلیاد نیز رك شباهت دارد .

خوانندگان را باصرار و گیراخسته نمیکند باستعمال کلمات (چون ، لذا ، از اینجهت ، بنابراین ، از این گذشته و غیره) پای‌بندی ندارد . باکمال جرات و رشادت چیزمینویسد واز پس و پیش افتادن کلمات نمیترسد . یکی از زندانیان شوخ نمر فجر بزرگ علوی را بمه خانم تشبیه کرده بود . میگفت در بعضی خانواده‌های پرجمعیت عمه خانم پیدا میشود که دائما درحرکت هستند دلسوز دلواپس نگران بهمه چیز کار دارند بکار هریك از افراد خانواده رسیدگی کرده ودمیشوند . همه را دوست دارند مثل اینکه اگر عمه خانم نباشد جمعیت خانه بهم خواهد خورد . خود عمه خانم هم خیال میکند خود اوست که دارد خانه را اداره میکند خیال میکند اوست که از همه بهتر میفهمد . خود اوست که باید بهر کار برسد و هیچکار نکند این تشبیه تا اندازه اغلاق آمیزی علوی وفق میداد او حقیقة در زندان ساعتی از اشخاص دور که من در اقامت یازده ساله خود در آنجا تصادف کرده‌ام

بقیه در شماره آینده

تعمیر اخبار داخله

در حق اصل کاری ها

ارفاق کردید

بنا نوشته روزنامه داد دیوان کشور قطرار محکمه رادر حق بزشك احمدی (بی‌پول احمق) ابرام کرده برای مختاری و بیرومند وفاق قائل شده حکم محکمه را نقض کرده است .

اشخاص نابرده در اصفهان دوباره محاکمه خواهند شد .

از قرار معلوم آقایان فیاضی و صفی نادر این رای موافق و آقای محمد جوان مخالف بوده است .

اسامی این قضات محترم را یاد داشت بکنید .

چاقوکش ها و زنان بد کار را تبعید می کنند

این یکی از کارهای خوب فرمانداری نظامی است بشرط اینکه ادامه پیدا بکند وغدا نکرده شامل حال مردمان بی‌گناه نگردد .

و بدون حکم و سعی محکمه صالحه این عملرا اجرا نمایند .

دکان های نانوائی مال کیست ؟

دکان‌های نانوائی تهران نان دانی عجیبی شده است عده مدت‌سور و گردن کلفت با استیاری کارمندان عالی رتبه اداره نان شهر اغلب دکان‌های نانوائی را بخود انحصار داده روزی از هر دکانی مبالغ زیادی مفت و مجانی منفعت می برند .

آرد مال دولت ، دکان مال کس دیگر ، کارگر و نانوا و شاطر مزدبگیر ولی منفعت را اشخاصی میبرند که اجازه دکان را اداره نان لازم دیده است بآن‌ها واگذار بکند .

از آن جمله ما اسم یکی را در اینجا مینویسیم اسامی دیگران را شاخودتان میتوانید در محل تحقیق بکنید شخصی که ما بشما معرفی میکنیم آقا مهدی است این شخص در خیابان پهلوی می‌باشند بواسطه اجازه مرموزی چند بن دکان نانوائی در دست داشته شب بشب آمده باج سبیل‌را گرفته بی‌کار خود میرود . از غرای که میگویند آقا مهدی علاوه بر مقاطع گوالف هرز گی فرزند قوقار خود از این واردات هنگفتی بهم زده است . کارمندان اداره نان نیز با کمال او عاقدی بی دردسری دارند .

کاربکاتورهای تازه

پس از شهریور تاریخ فن کاربکاتور مانند نویسندگی باسرعت عجیبی ترقی کرده است . امروز کاربکاتورهای روزنامه‌ها و مجلات مفتکی تهران میتوان ادعا کرد که با کاربکاتورهای ممالك بسیار متمدن میتواند برابری بکند .

تیپ ها بسیار شبیه و در عین حال خنده آور و تابلوها بسیار معنی دار و بامزه شده است .

این خود میرساند که ایرانی اگر وسیله داشته باشد لیاقت واستعداد کارهای بزرگ و هنرهای عالی را دارد .

ذوق و قریحه‌ایکه در شعر ادبای ایرانی دیده شده است قطعا برخنه‌های دیگر صنعت نیز کشیده خواهد شد .

یك روز آقای رئیس مجلس از کاربکاتور روزنامه ها اظهار بدبینی میکردند این هنوز پیش از انتخابات دوره چهارده بود هنوز کاربکاتور خودشان را در روزنامه نگذشته بودند میگفت ایرانی مثل اروپائی نیست از حرف زیاد بدش نمیاید ولی عکس و کاربکاتور چون مرسوم نبوده آنرا نیز گزیرسن توهینها تصور میکنند .

روزنامه‌ها هنوز است این کاررا ترك کنند . مثل اینکه آقا الهام شده بود که روزی هیکل خود آقا سوژه تمام روزنامه های کاربکاتوری خواهد بود .

کاربکاتور بعضی از روزنامه های هفتگی این هفته بی‌ارزش بود

امید ائلاف فراکسیون نوای سه گانه مجلس را درسه پوچگی‌ای داده بود آقای رئیس مجلس از انتهای پوچگی دست چپ نشانده بود .

در آرزو رئیس مجلس رفتست وزیر راهرا در تاریکی گم کرده‌اند آهن سرمان به دیوار کشیده بود که باینه ازدهای زخم خورده تماشیت (هیتلر) را بهلاکت میرسانند

کاربکاتور تو فوق و بیاباشد ورسانا خبر از ان دوشاره دیگر .

بازار ول کن معامله نیست

اگرچه بمناسبت نزدیك شدن خانه جنك بازارها سکوت و بازار بان را وحشت فرا گرفته است باوجود این کسیه ایستاده‌اند از خرد اجاحت پیاده شده نرخ اجناس را پائین بیاورند اینها قول - یکی از مطلبین هنوز هم از تقاید گویانده برلن همدول نکرده اند هنوزهم خیال میکنند که اسامه ترین هیتلر دنیا را زیر ورو خواهد کرد وجنك سالها طول خواهد کشید بازار احتکار و گران فروشی وبی اصافو ازنو رونق پیدا خواهد کرد .

درصورتیکه صلاح خودرا نمیدانند امروز وفردا سر بازار آنچه خارجی باز خواهد شد خرید اوزاق و مالکولات مخصوصا روغن و لبنیات بصفر خواهد رسید سرمایه داران خرپول آنقدر جنس بیرون خواهند ریخت که تمام اصناف وکسبه درهرض مدت کمی در اثر آن مفلس و ورشکست خواهند شد .

بهترین راه اینست که امروز هر که هر چه‌دارد و بهر قیمتی میتواند بفروش برساند .

اگر عده پاها اینکاررا نکنند گردن کلفتها حتما دیر یا زود وارد عمل خواهند شد تاقیمات که نمیشود ایستادگی کرد تازه ایستادگی فایده ندارد .

باید بهر قیمتی‌پیش آمد فروخت وجود کرد و برای نرخ جدید وجنس تازه آماده کرد نگهداشتن آل و آغشال کهنه موجب فلاکت است .

مسابقه ادبی

-۲-

کودکان را برای چه می دزدید ؟

آیا بدبیا از بوهات و باد آرزومندی؟
آری آقای گروهبان ... آری ...
پس باید مرا راضی ... کرده تاتوا در آغوش گیری ! ...
دیده‌های آن الهه شرم وحیا تیره گشته پس از آه عمیقی گفت برای آخرین دفعه هم ساعتی آن طفل ملوس را بمادرش رد امی نمائید ! ..
... اگر حرف مرا قبول نکنی نه!
پس ساعتی مرا در اختیار خویش گذارید ..
گروهبان با تبسم خفیفی سررا برضایت حرکت داد . قاتلینده یکی از جهات کشت زاررا گرفته و روانه شد . پس از طی مسافتی بیکمرتبه بروی زمین خم گشته و بانگاه تائنو در رو قبول چیزی ... تردید داشت . بالاخره جسد پاره پاره طفلی را بدامنش لرزانش بلند برداشتن قوت بروی قلب مجروحش نشارد و بامصادی جهاز سوزی گفت ای بشروای حقیقت مقدس که تنها دارای عاطفه بوده و خداوند متعال ملایك را برای تشریفات : سعادت امر بسجده فرمود . چگونه راضی شدی برای تعریض وتهدیدی مصنعی مادری .. طفل بی گناهی را قربانی وسخت ترین عذاب مرك فدای شهوت رانی سازی . آفرین بر وجدان پاکت باد ...
بعد سر را بسوی آسمان بلند و ازصمیم قلب گفت خدای خوب من اگر قربانی این ملك بی گناه رادر پیشگاه گرامت قبول فرموده پس بزودی روح طفل عزیزم را بمادرش توقم وناموس این ناتوان بی کس را ازدیدار نامحرمان حفظ بفرما ...
صبح است . عده زیادی زن و بچه گرد یکدیگر جمع وبانالهای جان‌گدازی مشغول بگریه میباشند . دراین وقت افسری باقدمهای بلندی پیش‌رفته ومتغیرانه ایشان زائر باشتغال بیگاری وتفرقه داد درخشنده که‌از سایرین نزدیکتر بود مشاهده گفت آقای افسر ، بگناه‌طفل نابنده واگرك پاره‌نموده درحالیکه مادرش بخواست از اوحمایت کند ...
افسر متغیرانه حرفش رقطع کرده وبا صدای‌خشنی جواب داد میخواست ازعده خارج نشود تا مورد حمله گرك نگردد .
درعصر یکی از روزهای ماه دوم بهار ۱۳۲۱ شمس موقعیکه آبادی حصار امیر برحسب قانون مصوبه مجلس .. بصاحبش مسترد گردیده پیرمردی از رهایا برسر مزاری میرحرکت دیده میشد .
در این موقع پیرزالی که‌بنه راس نزدیر پیش داشت رسیده متعجبانه گفت ارجمند توکی ... نه ... باور نمیکنم . پیرمرد پس از نگاه نافذ معجزوئی که به پیرزال انداخت بی‌اختیار روی مزار خم شد پیرزال نزدیك شده خواست اورا بلند نماید . وقتی دست واروی شانه‌اش نهاد متعجبانه قدمی عقب گذاشته زیر لب گفت بچاره .. خداوند اورا ازاین مهیس تاریك عقن زندگانی نجات بخشید توبمان ای آنکه چون توبك نیست . م.ك.ز.و

از روزنامه های دیگر

دار الفنون تبریز

اوضاع مدرسه دارالفنون تبریز قدری مشوش شده معلم ندارند و آنچه دارند ناقص است . غذاهاشان قابل خوردن نیست . شاگردان مدرسه بالهو و لعب میگذرانند
باچنله خیلی خیلی بی نظم است
روزنامه اختر ۳ رمضان ۱۲۹۹ هجری (۷۴ سال پیش)

رنك لباس و عقاید ملل

بر خلاف اروپائیان و مسلمانها که رنك سیاه را علامت سوگواری میدانند زاپونی‌ها ازقدیم رنك سفید را برای سوگواری انتخاب کرده اند .
مغولی‌ها رنك زرد واعلامت دانشمندی می‌دانند هنوز هم‌دانشمندان مغول رنك زرد را بسایر رنگها ترجیح می دهند .
درمیان ملل متمدن رنك نبرد وجدال سرخ است سید عثمانی بتقلید افغان‌ها رنك سیاه را انتخاب کرده وکابینه سیاه هم از آنجا مانده است
رنك سیاه علامت آنارشیستی هم هست شاید آقا بعنعنات آنها رفته باشد
«دیگر»

پرسش های میهن را تکرار میکنیم

روزنامه میهن پرسش زیررا از شرکت تلفون کرده‌است که ما باجزئی تغییر آنرا تاجواب شرکت تلفون تکرار خواهیم کرد .
چون هر کس بشرکت تلفون مراجعه میکند با جواب سربالائی رد کرده می کوبند نمره نداریم در هین حال شماره تلفون در بازار سیاه تا مبلغ پنجهزار تومان خرید وفروش میشود .
معهذا پرسش مینمائیم که چگونه یك مغازه جی (مثلا سیگار فروشی زهره) و امثال ایشان تا پنج شماره تلفون داده شده است چراکسانی که بیشتر ازیك و دوشماره تلفون دارند نمیگیرند که یك کمك‌های اجتماعی داده نمیشد از ایشان .
از آقایان سمیعی وبهین استدعای جواب میخواهیم
۱۳-۲

www.iran-archive.com

اخبار کشور

رسیدگی بامور کارخانه های قند

از ساعت ۸ صبح تا ظهر دیروز آقای رزبر بازرگانی ویشه وهنر در اداره کل کارخانه های قند حاضر و بامور آن اداره رسیدگی نموده از جمله تصمیمات متخذه این است که در سال جاری هفت هیئت بازرسی برای نظارت در بهره برداری هفت کارخانه قند کشور اعزام شود.

تشکیل کمیسیون

در این درروزه از طرف وزارت پیشه وهنر کمیسیون های متعددی برای مذاکره درباره امور صنعتی وبازرگانی تشکیل شده است از آن جمله کمیسیونی دیروز مرکب از آقای بیستکلی مدیر کل حسابداری وزارت دارائی وآقای هریس رئیس کل نظارت صنعتی وآقای آرامش رئیس حسابداری کل کارخانجات باحضور آقای رزبر پیشه وهنر تشکیل ومذاکراتی در خصوص امور مربوطه بعمل آوردند

رئیس دانشکده حقوق

آقای دکتر سجادیان در انتخابی که از استادان در شورای دانشکده بعمل آمد بریاست دانشکده حقوق انتخاب شده اند.

رئیس اداره هواپیمائی

چون آقای سرلشکر احمد نجوان رئیس اداره هواپیمائی سابق که بسمت وابسته نظامی سفارت کبرای ایران در لندن انتخاب شده اند از قرار معلوم آقای سرتیپ قدر رئیس سابق لشکر اصفهان بریاست اداره هواپیمائی مامور میشوند و آقای نجوان بعمل ماموریت خود حرکت خواهند کرد.

جمعیت حمایت مسلولین

پریروز ساعت ۵ بعد از ظهر اعضای هیئت مدیره جمعیت حمایت مسلولین از خانه آقای کاسکار که بجمعیت پیشنهاد قرعه کشی آن را داده بودند بازدید کردند

پس از بازدید کامل قرار شد هیئت مدیره روز یکشنبه تشکیل جلسه داده و دراطراف پیشنهاد آقای کاسکار بمطالعه پرداخته و نتیجه را باینشان اطلاع دهند

مهمترین خبرهای جهان

مسئله وضعیت آلمان پس از جنگ

واشنگتن — طبق اظهار خبرگزاری انگلیس دریادار نیروی لاتیمر رئیس کمیسیون دریائی امریکا امروز گزارشی به کمیته مامورمسائل اقتصادی پس از جنگ مجلس نمایندگان تقدیم داشته است.

دریادار لاتیمر اظهار داشته که بازرگانی خارجی آلمان و ژاپن بایدبین دولتهای متفق تقسیم شود زیرا بایان یافتن بازرگانی جهانی دولت های محور نتیجه سبب خواهد شد که وجود آن ها ارتباط صنعتی از میان برود. من بهیچوجه قائلم برای استقرار وضع کشاورزی در کشور های محور نمی بینم زیرا دشمن ما نباید کرد که نمیتواند چگونه صلح را نگهداری کند.

از این اظهارات دریادار لاتیمر می توان نتیجه گرفت که نامبرده معتقد است که باید آلمان را با حزم و تائی بیك کشور کشاورزی مبدل ساخت ودرسیاست روبه مورگن توویزر دارائی امریکا را دنبال کرد ودریز دارائی امریکا در واشنگتن اظهار داشت که نیکوتر آنست که کشور آلمان را بیك کشور کشاورزی تبدیل نمود بدین ترتیب تردید نیست که اختلافاتی بین وزارتخانه های امریکا در باره سیاستی که باید بعد از جنگ از آلمان اتخاذ کرد بظهور میرسد گروهی باینك صلح جوئی و سنگینی شدیدا معتقدند و اظهار میدارند که هر آینه آلمان را از صنعت محروم کنیم هرگز ممکن است بتوانیم اوضاع اقتصادی اروپا را اصلاح نمائیم خواهان این عقیده خاطر نشان میسازند که تبدیل آلمان بیك کشور کشاورزی بتمام معنی تکامل و اساس اقتصاد اروپا را بهم خواهد زد اینان عقیده دارند که بایددرباره صنایع سنگین آلمان بازرسی دقیقی معمول داشت روزنامه نگاران و نویسندگان لیبرال از گزارشهای رسیده مبنی براینکه رئیس جمهور امریکا با تجزیه صنایع آلمان موافق است استنباط میباشد

وزیر مختار جدید سوریه در لندن

دمشق — طبق خبر گزاری انگلیس عبدالرحمن الکیالی که در کابینه سوریه وزیر دادگستری بود اکنون بسمت وزیر مختار از طرف دولت سوریه بلندن اعزام میگردد و بزودی عازم مقصد ماموریت خواهد گردید.

نیروهای متفقین بشمال میلی شمال ریمنی رسیده اند

ستاد ارتش متفقین در روزه مدیترانه قراری که ستاد ارتش متفقین دیروز اعلام داشته است در منطقه آدریاتیك نیروهای مستقلکانی ارتش هشتم در نتیجه حمله ماهرانه ئی که در اثنای شب اجرا داشتند قصبه برنشنتا تمام در شش میلی شمال ریمنی را تصرف کرده اند در سمت ناتخر هم نیروهای انگلیس دشمن را از منطقه بیناموروشیاوورپیکن بیرون کردند و با وجود مقاومت شدید در آن وررویکن چندین نکیه گاه تشکیل داده اند.

خبرگزاری آلمان دیروز اعلام داشته است که انگلیسها در منطقه آدریاتیك به حملات جدیدی پرداخته وچندین واحد زره پوش بمیدان آورده اند و متفاقب پیکارهای شدید روز تاخیره مدافعین آلمانی به تخلیه مواضع خود مجبور گردیده اند.

بعلت امکان های سنگین دیروز بر علیه ناوگان دشمن در یونان عملیات پرداخته و بعده بقدر حمله وشدند. از طرف دیگر بطوری که خبر میدهند حملات نیروی هوائی بشمال ایتالیا و بوگواسلاوی و شمال یونان و آلبانی ادامه داشت

فرانسه — در منطقه مخصوص خبر گزاری انگلیس نزد ارتش سوم امریکائی روز سه شنبه اطلاع داد که آلمانیها در ۲۰ میلی غ ریکنبرگ بقوای ژنرال پاتن که در ناحیه موزل مشغول عملیات اند حمله ور گردیده اند.

این حملات متفاقه تا کنون نتیجه برای دشمن نداشته و تنها یکی از این حملات متقابله با از دست دادن ۲۳ تانك وی تمام شد و بالاخره سه ساعت این نبرد های سخت طول کشید بنا از نیروی دشمن خاتمه پذیرفت.

•••

واشنگتن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس وزارت جنگ امروز اعلام نمود که دز های پرنده عالی ب ۲۹ روز سه شنبه بهدف های لشکری منجوری حمله ور شده.

•••

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس سر سوسیل هورست رئیس کمیسیون ملل متفق درباره جنایات جنك در مجلس عوام بریتانیا از چرچیل پرسش نمود نخست وزیر بریتانیا در پاسخ وی چنین گفت که دولت انگلستان مصمم گردیده که کلیه مساعی خویش را بکار برد برای آنکه نگذارد جنایتکاران نازی بکشور های بیطرف پناهنده شوند.

نمایش بسیارعالی و دیدنی بامزایای بیشمار

میرزا کمال الدین

اجتماعی، اخلاقی، سیاسی جاذب

باشتراك بهترین هنر پیشگان

بمضافت سه روزنامه ملی؛ آزادیخواه؛ باشهامت

نجات ایران. آزادگان. فرمان

در سالون سینما تاتر فرهنك واقع درلاله زار

نمایش ساعت هشت بعد از ظهر چهار شنبه دوازدهم مهر ۱۳۲۳ شروع میشود

بلیط ها بمهر فرمانداری نظامی تهران رسیده ودرشب نمایش بجای بلیط عبور ومرور شب بکارمیرود

۵ — ۱

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۴ر۲ر۱۳۲۳ بانو زهرا (زین العابدین) بشناسنامه شماره ۱۴۰۰۵ باسناد یکبرك گواهی نامه و ووبوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۳ر۱ر۱۰۸ داده باینکه حاج خان گرانمایه ارومیه دارنده شناسنامه شماره ۱۲۷۸ در تاریخ ۱۴ر۲ر۱۳۲۳ درتهران جانگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت وراث متوفی منحصر به یکعیال دائمی بنام بانوعذرا متقاضیه و سه نفر پسر بنام آقای حسین بشناسنامه شماره ۱۶۹ وعباس بشناسنامه شماره ۲۴۹۸۸ واحمد ودو نفر دختر بنام بانوان فاطمه ملقبه بعشرت بشناسنامه ۲۴۹۸۷ وعزت بشناسنامه شماره ۴۷۴ عیراز شش نفرنامبرده ورثه دیگری نداود پس ازشنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض برحسب تقاضا اقدام خواهد شد وبنز اگر کسی رضایت نامه از متوفی دارد درظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیت نامه غیبراز رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ش ۳۴۹ نوبت اول ۶ر۷ر۳۳

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

بقلم آناطول فرانس — ترجمه کریم کشاورز

برفراز سنگ سفید

۶

میشل درضمن واتمن هوایماش این سخنان را بمن میگفت من تاحدی که مفهوم است مفهوم کلماتش را بدرستی اینجا نقل می کنم.

ناسفم از اینکه نمیتوانم بعلت ضعف حافظه و از ترس اینکه برای خواننده فهم مطلب حاصل نشود تمام اصطلاحات و بوزه طرز سخن گوئی اورا بیان کنم. تا او ومعاصرینش بزبان صحبت میکردند که از حیث تمازگی لغات و قواعد نحوی و علی الخصوص بعلت اختصار هائی که از نظر سرعت بیان مقصود استعمال میکردند مرا درشگفت افکند.

میشل در کنارمهتابی خانهٔ محقر ولی مطبوعی فرود آمد و گفت: « منزل رسیدیم. خانه من اینجاست. تو بارفقائی که مانند من به امراضیه می پردازند شام خواهی خورد.»

من پرسیدم:

« چطور؛ مگر شما آمارگرهم هستید؟ من گمان میکردم فقط ناوالی میکنید.»

او پاسخ داد:

« من روزی شش ساعت ناوالی میکنم. ازصد سال پیش کمیته اتحاد اروپا درازی کار روزانه را بشش ساعت محدود کرده است. باقی روز را من به امر آمار می پردازم. آمار علمی است که جانشین تاریخ گشته است. مورخین پیشین اعمال مشتمل بعده قلیلی را نقل میکردند. مورخین جدید آنچه راکه تولید میشود وآنچه راکه مصرف میشود ثبت میکنند.»

میشل نخست مرا دریك اطاق بهدود تراپی (معالجه باآب) که روی بام قرار داشت داخل کرد و دوشی گرفتم و بعد مرا باطاق خوراك که درطبقه پایین بود هدایت نمود. این اطاق باپرق روشن میشد وکاملا سفید بود و تنها زمینی که در آن دیده میشد نقش برجسته بوته های توت فرنگی کار بود میز بدل چینی از ظروفی که فلزی بنظر میرسید پوشیده شده بود. سه تن در این اطاق بودند و میشل آنانرا چنین معرفی کرد « مورن، پرسوال شرون.»

این سه تن از حیث لباس شبیه بودند و نیم تنه و شلوار مخمل و جوراب خاکستری داشتند. مورن ریش سفید درازی داشت و شرون و پرسوال صورت بی ریش وروشنی داشتند. موی کوتاه و نگاه بی غل و غشش حالت پسران جوان را بآنان داده بود. ولی من شکی نداشتم که زن هستند. پرسوال لاینکه زیاد جوان نبود نظرم بسیار زیبا آمد. شرون را سیار دلیر و طناز یافتم. میشل مرا بایشان معرفی کرده وچنین گفت:

« من رفیق خودمان هیپولیت واکه در عین حال دوفرسن هم نامیده میشود و بین دوك های شهرستانهای سپاه پوستان در ممالك متحده افریقا زندگی میکرد ازدشت آوردم. ساعت پنجاه چیزی نخورده است. وحشیا گرسنه است.»

من گرسنه بودم. قطعات مربعی جلوی من گذاشتند که بد نبود ولی نتوانستم مزاجش را بفهمم چیست. روی میز اقسام مختلف پنیر قرارداشت. مورن یك آبجوی رقیق برایم ریخت واظهار داشت که هرقدر بخواهم میتوانم ازآن بنوشم زیرا آلکل ندارد. من گفتم:

« مبارك است. می بینم که فکر شما متوجه خطرات الکل میباشد»

مورن گفت:

« آلکولیزم دیگر وجود ندارد قبل از پایان قرن بیستم به محو آن توفیق حاصل شد ولا استقلال رژیم نو غیرممکن بود. پرولتاریاتی (رنجبرانی) که الکل استعمال میکند قادر بآزاد کردن خود نیست.»

من یك قطعه غذائی راکه بطرز عجیبی پریده شده بود چشیده وگفتم:

« آیا مرتغذیه راتکمیل نکرده اید؟»

پرسوال جواب داد:

« رفیق نوبقین میخواهی از تغذیه شیمیائی صحبت کنی. این کار چندان ترقی نکرده است. ماهرترشیمی دانهای خودمان را مامور مطبخ کردیم نتیجه ای انگرفتیم و حب هائی که بجای غذا درست کردند ارزشی ندارد. فقط میزان اغذیه مولدالحراره و اغذیه مقذیه را توانستیم بطور مناسبی تعیین کنیم. والا غذاهایمان باقرن بیستم تفاوت بسیاری ندارد وهمانطور ازآن اغذیه خشن لذت میبریم.»

میشل گفت: « علمای ما کوشش دارند یك طرز تغذیه علمی را برقرار کنند»

شرون جوان گفت:

« اینها بازی کودکانه است. تاوقتیکه رودهٔ بزرگ واکه عضو بیفایده ومضر است و کانون عفونات میکروبی میباشد حذف نکنند پیشرفتی در این زمینه تحصیل نخواهدشد.

ولی بالاخره باین مقصود خواهیم رسید»

من پرسیدم چطور چنین چیزی میشود.

او پاسخ داد:

« خیلی ساده است. قطعش میکنند وحذف این عضو که دو آغاز بوسیله یك عمل جراحی درافراد انجام گرفت بتدریج بوسیله وراثت بتمام نژاد تعمیم خواهد یافت.»

این اشخاص بامن رعایت مردمی کرده و بازاگاه سخن می گفتند. ولی من نمیتوانستم بسهولت اخلاق و عقایدشان را درك کنم و میدیدم که بهیچوجه مورد علاقه ایشان نیستم و نسبت بطرز فکر من کاملا بی اعتنا میباشند.

هرقدر بیشتر نکات ادب را در محاوره با ایشان مراعات میکردم حسن توجهشان را اسبت بخود کمتر میدیدم وقتی پواشکی چند تعارف صادقانه بـه شرون کردم حتی دیگر نگاهم نکرد.

www.iran-archive.com

آزبر

صفحه ۲ — پنجشنبه ۶ مهرماه — شماره ۱۹۴

جناب رئیس فرمودند باید سهراب را بکشند

بقیه از صفحه اول

گل‌مولی جیغی چاق کرده و در گوشهٔ لبیده و میکشید .

چند دقیقهٔ بیش باغاز «سخنرانی» ایشان نمانده بود . مشتر بان باعجله ته استکان های چائی را قورت میدادند که فارغ وآماده باشند . گل مولی از جای برخاست . سرفه کرد . باز هم سرفه کرد که آغاز سخن کند . ناگاه . یاسبانی از دردرآمد . همه گمان کردند شهرت نقالی گل‌مولی « جناب آژدان » را بانجا کشیده . این اشتباه عمری نداشت . « جناب آژدان » نهیبی به گل‌مولی زدو گفت برو بنشین سرجات» بعد رو به قهوه‌چی کرده گفت « این چه علم هنگه است درست کرده ای سرکلو رئیس (کلانتر) فرموده اند حق ندارید سهراب را بکشید » چرت همه پاره شد . غیر ازقهوه‌چی و گل‌مولی تمام حاضرین ماست‌هارا کیسه کردند . جناب آژدان هم آن وسط ایستاده و مثل رستم برخود میبالید . شاید برخود میبالید که از کشته‌شدن سهراب جلوگیری کرده است ! قهوه‌چی گفت :

«جناب آژدان حالا بفرمائید یك فنجان چای میل کنید . اینها که مطابی نیست » آژدان که حاضر بود علاوه‌بر چای نوشیدن یکی‌هم بوافور بزند .

جواب داد :

«البته‌مشهدی . . . قهوه خانه تو حکم خانه مرا دارد . می‌نشینم- چای هم میخورم ولی جناب رئیس فرموده‌اند سهراب را نباید بکشید . . . » آژدان مشغول‌چای خوردن و زیر کوشی با قهوه‌چی حرف زدن شد . نجوائی هم باگل مولی بعمل‌آمد . چند دقیقه بعد برخلاف معمول قبل‌از آغاز پایان‌داستان شروع بدوران وگرفتن چراغ الله کردند .

تماشاکنان جمع اشد ول نکردند. وجه را تحویل جناب آژدان کردند . این چراغ الله برای جناب رئیس کلانتری بود که بگذارند سهراب را بکشند .

گل مولی قصه‌را تمام کرد و یك چراغ‌الله دیگرهم گرفت . میگویند بین گل مولی وقهوه‌چی وکلانتر وآژدان در موضوع نکشتن سهراب مواضعه‌ای شده بود

***

این عین یك داستان واقعی بود. هریك ازخوانندگان آزبر که به پاسخ‌های زیر جواب بدهند شرماه روزنامه‌ویك جلد کتاب موزیك هنا مجانا برایش ارسال میشود

۱ - این واقعه در کدام شهر اتفاق افتاد

۲ - درجه عهدی

۳ - کدام بخش

٤ - شماره کلانتری

٥ - نام جناب رئیس (کلانتر)

٦ - نام گل مولی

۷ - نام قهوه‌چی ومحل قهوه‌خانه

این اطلاعات برای ماضروری است تاجاهای خالی این داستان را پرکرده و برای داستان فرستیم •

انگلیس‌ها برای بعد ازجنگ

بقیه از صفحه ۱

درانگلستان هزینه‌این کاررابواسطه مالیات میخواهند تامین بکنند دراتحاد جماهیرشوروی بنگاه‌ای‌دولتی‌واشتراکی (بنگاه خصوصی در آنجا وجودندارد) علاوه برحقوق کارگران و کارمندان مقدارمعینی بعنوان بیمه میپردازدکه ازاینراه بصورت هزینه بیمه اجتماعی تامین میشد. اگرچه ما از طرز بیمه اجتماعی امروزی آنجا اطلاع مبسوطی نداریم ولی تفاوت سوابقی که در دست هست باید این کار مکمل‌تر شده‌باشد

انگلستان در این موضوع بیست‌و هفت سال از اتحاد جماهیر شوروی عقب‌تراست ولی ضرب‌المثلی است می گویند دیر باشد بهتر است که هیچ نباشد .

تصورمیکنیم امریکا و ممالک‌دیگر از رپاهم ناچاراند از انگلستان پیروی بکنند .

در غیر اینصورت از عهده تلاکت وبدبختی‌های گوناگون اجتماعی که پیش بینی میشودبرنخواهند آمد.

اما درکشور نفرین شده خودمان

در کشور ماهمه چیز مسخره است هر کار خوبی که آغاز میشود انتهای ترازی کمیك عجیبی پیدا میکند کمال واندی پیش بعدازدوقائل زیاد باسلام و صلوة پروژه‌ای بمجلس شورای‌ملی آورده گفتند میخواهیم کارگران‌را بیمه بکنیم . مجلس سرزده برای خالی‌نبودن عرضه آنرا تصویب نمود (ما در توانس گوناگون‌آن‌هم کارندارم)همین‌پروژه بعدازمیخواستیم موقع عمل بگذارند بدبختانه هنوز هیچکس بفکر اجرای آن نمیباشد و معلوم نیست که در کدام خرابه مدفونش کرده‌اند. میگفتند قاعده (عظیم‌الشان) مالی ایران (دکتر میلسپو) کاربلکی کرده میگذارد افلا این‌قدم کوچك اجتماعی برداشته شود.

شنیده‌ام آقای نخست‌وزیر میخواهد برای جلوگیری از بیکاری نقشه‌ای تهیه کند. و برای این کار کمیسیونهائی هم دعوت شده است.

مسخره بازی عجیبی است همیشه ظاهرسازی همیشه وقت‌تلف کردن‌همیشه گفتگوی بی سروته اگر آقایان‌راست میگویند ریگی درکفش‌اداره نفرمایند کاراز‌همین‌لایحه قانونی آغاز کنندولت بالاخره مسئول این کارهاست نبیشود قانون را بلا اثر گذاشت

با این مسامحه حقوق چندین‌هزار نفر تضییع‌میشود. این جرم‌است‌مجازات دارد. حق مرد مرا نمیشود بامسامحه وسهل‌انگاری پایمال کرد.

ما از بیمه‌اجتماعی بطرزانگلستان صحبت نمیکنیم در صورتیکه آنهم‌لازم است‌مجانا آنچه درمجلس‌سرزده‌تصویب کرده‌است بیاینه عملی بکنند دکترمیلسپو حق ندارد قانون رسمی یك مملکت را زیرپا بگذارد. مادامیکه قانون است و مجلس آنرا تائید نکرده مامور دولت ناچار است آنرا بموقع اجرابگذارد.

بدبختانه کسی بقانون گوش نمیدهد هرکه زور دارد هرچه دلش میخواهد میکند.

همین موضوع نهرداری وشاهکار های آقای ابتهاج خود در جلو چشم مجریان قانون‌مگر انجام‌نمیگیرد.

چطور یکنفر میتواند زیر دستان خودرا از حقوق اجتماعی محروم‌بکند؟ چطوریك مامور یك سابقه ودستکاتور منش‌میتواناباوجود کارمندان‌اداره دوائر یك بنگاه ملی مثل (شهرداری) را باختیار هر شخص خارج بگذارد. کی گفته است رئیس حق دارد بدون محکمه اداری کارمندان مسئول یك‌اداره راجا بجابکند؟

ما کجا هستیم دیگران درچه‌راهی سیر میکنند؟

نیرودهدو بندرا باچه حدل میکنند؟

چند روزیست نویسندهٔ مقاله‌رعد امروز (نا شایع باخودسیدضیاءالدین باشند) دکتر مشرف نفیسی را مورد حمله سخت‌تازه داده است عنوان‌انتقاد ازاو و ابز مخالفت روزنامه بندباد دکتر میلسپو اعلام‌کرده است رعد امروز با سیدضیاءالدین نقول خودش میخواهد نشان بدهدکه مخالفین دکتر میلسپو از میان ملت نیستند حتی درسرمقاله‌بزرگ رعد نوشته بود: کسی که میگفت‌دکتر میلسپو را مورد تشویق یا انتقاد قرار بدهد ملت ایران است و اظهار تاسف کرده بود که ملت‌ایران روزنامه ندارد تا بوسیله آن‌درد خودرا بگوید بوکیل مجلس مال اوئیست که اراده اورا بیان کند بدینوسیله صریحا نشان داده بود چه ایدو وکلای‌مجلس نماینده حقیقی‌مردم ایران نیستند . از این ادعا اولا برعلیه خودآقا وروزنامه‌رعد امروز انتقادشد باید کرد . وطبق‌فرمایش‌ملکالشعراء بهار علی‌افهم و تر ز نوشته روزنامه رعد امروز را دلیل‌میآوریم که‌سیدضیاءالدین وسایرنوفقای او درمجلس، روزنامه‌رعد امروزو روزنامه‌های دیگرسیدور خارج از مجلس نماینده طبقه خاصی‌هستند واز مردم بکلی دور میباشند . ثانیه آنها هم تامین منافع استثمار کنندگان و دشمنان حقیقی مردم است .

بنابر این دفاع از دکتر میلسپورا ازطرف رعد امروزوسیدضیاءالدین یك خدمه سیاسی بیش نمیدانیم‌زیرا رعد امروز اعتراف دارد که نمایندهٔ مردم نیست و بقول او توده حقیقی روزنامه ندارد.

اگر ما همینجا بخواهیم از بیانات آقا و روزنامه ایشان استفاده کنیم‌صور میکنم دیگر برای اثبات غرض‌ورزی و اعمال نظرهای خاص آنها احتیاج به اقامهٔ دلائل دیگری‌نداشته باشیم. محقق است که‌مدافعه روزنامه رعدوسیدباز دکتر میلسپو برای ادامهٔ مکیدن خون‌مردم نیست واز این‌جا سیاست واتاکتیك اصلی آقای برای دوره‌زمامداری! خودشان خوب معلوم میشد .

مقصود اینست که‌دعوای‌سیدودکتر مشرف نفیسی برسردکتر میلسپومطالبی را روشن میکند .

روزنامه رعدامروز درسرمقاله‌روز چهارشنبه خود بعنوان نامه یکی‌ازرجال مقاله مفصلی برعلیه دکتر مشرف نفیسی نوشته وسیاست اقتصادی اورادرموضوع نرخ لیره ۱٤۰ ریال‌بود حمله شدید قرار داده است و ۹۰ ریال تثبیت شده‌است حتمه دکتر مشرف نفیسی کارمند رسمی شرکت نفت‌ایران وانگلیس است‌وهنگام وزارت خود اظهار داشته است‌شرکت نفت حق‌ندارد بیش‌از ۹۰ ریال تثبیت میکرد که‌نرخ لیره در ۹۰ ریال تثبیت شود که‌ازتحمیل بشرکت نرخ‌لیره رسمی ۷۸ ریال بوده» تاحدی بکاهد و دولت باین‌تقاضامخالفت‌مینمود علاوه‌درآن‌اتفاق ماهم‌دراین‌ایام بعرائی بول ایران‌احتیاج داشت‌من برای‌تامین مصالح دولت‌متفق و شرکت نفت نرخ‌لیره را ۱٤۰ ریال ثبت کردم تا بدولت متفق کمك شود و هم جبران ضرروزیان‌گذشته شرکت نفت بعمل‌آید .

نوشته روزنامه رعد امروزدکتر مشرف نفیسی را آنطوریکه هست نشان میدهد دکترمشرف نفیسی‌ازاینکه درمدت شرکت نفت هیچ حرفی نیست ولی‌چرا رعد امروز با ذکر یك‌عمل گفته‌شد دکتر مشرف نفیسی بطور غیر مستقیم‌بشرکت نفت مداخله‌دارد این‌موضوع جالب‌توجهی‌است بهرحال ما شروع مبارزه میان‌رعد امروز وپدرانوشوهی نفی کرده وانتظار داریم آقای دکتر مشرف نفیسی‌درجواب رعدامروزمطالب‌تازه‌تری نوشته‌که بیشتر از پیشتر حقایق‌روشن‌شود ومعلوم گردد گنجرا خودشان مخالف‌دکترمیلسپو هستندورعدامروزوطرفداران‌سیدموافق ماخیال‌میکنیم دعوای‌لحاف‌ملاعرالدین باشد .

مهمان مهمان دیگر رادوست‌ندارد مزبان‌هیچکدام‌را .

عبدالله

سرهشق برای سخنرانی

نمایندگان فراموش نکنند که این اطاق تقریبا یکقرن پیش ایراد شده است

درموقعیکه کمیسیون بودجه‌مجلس ملی‌فرانسه گزارش داده ودرمعنی از مصارف دولت صرفه‌جوئیهائی کرده‌بود چون‌مقدار هم‌درمصارف تاسیسات‌علمی وادبی وصنعتی تخفیف داده‌بود وبکنور هوگوبابیانات زیر بآن‌پیشنهادمخالفت کرد .

سروران هیچکس بیش‌ازمن متوجه نیست که‌میک کردن بودجه‌چقدرضرورت دارد ولیکن بعقیده من‌مالیه باچند قلم صرفه جوئی حقیر دلیل اصلاح نخواهد شد ورآه‌کار راحتی‌دیگر بایدجست . باید سیاست عالیه‌ای که‌مالیه اطمینان افکار شود اختیارنمود که‌فرانسویان‌را آسوده‌خاطر کند وامنیت و اعتبار را مستقر سازد و مردم بکار مشغول شوند تاجنوان مخارج هنگفت مخصوصی راکه از گرفتاریهای امروزی ناشی میشود تخفیف داد بلکه موقوف کرد . ۲۰ چه سربار بودجه ماست آن مخارج است که‌اگر باقی بماند سنگین‌تر شود و چاره‌اش‌را نکنید زودی اساس‌زندگانی را بهم خواهدزد

من تاکنون اگر تحقیقاتی که در مخارج پیشنهاد شده رای دادمام وبازهم رای خواهم داد آنچه‌من رای نمیدهم تخفیف‌مخارجی‌است که‌اگر بشودسرچشمه زندگی عمومی‌را خشك‌میکندوبهبودی‌که درمالیه‌میدهد مشکوك‌وخلی‌که بسیاست واردمیاورد ومسلم است واز‌این جمله است تخفیفاتی که‌در بودجه اختصاصی‌علم وادب وهنر پیشنهاد شده است

بعقیده‌من این‌مخارج‌میبایست همه‌در بودجه یك‌اداره جمع شود وباینکه میان دووزارتخانه تقسیم‌شده وقسمتی‌بوزارت فرهنگ و بخش‌بوزارت کشور وسیده یکی از معایب کارهای اداری‌ماست واز این‌روست کمن دربیان مختصری که میخواهم بکنم مجبور خواهم بود از وزارت کشورهم ذکری بمیان آورم‌اما قدرضرورت اکتفاخواهم کردوملاحظات لازم‌را ازنظر دور نخواهم داشت

پس ای سروران من میگویم صرفه جوئی‌باکه در بودجه مخصوص علوم وادبیات‌وصنایع میکنید ازدوجهت میدارد از اظهر مالی بیمقدار است از نظرهای دیگر زیان‌دارد

امااینکه نظر مالی بیمقدار است مطلب بقدری آشکار است که‌من‌جرات نمیکنم حسابی‌را کدر این باب کرده‌ام بنظرمجلس برسانم زیرا سخن جدی‌است وروا نیست که‌مایه خنده‌شودولیکن‌مجبورم تشبیه بیمار مبتلای بکنم که‌هرچندخیلی بزاری است مطالب را خوب‌و روشن ومحسوس میسازد

فرض بفرمائید کسی هزارو پانصد ریال درآمد داردوهرسال برای تربیت روحی خود یعنی علوم‌هنر ادب پنجریال مصرف میکند اگرچنین کسی در موقع اصلاح مالیه خود بخواهد ازآن پنجریال سردبنار صرفه‌جوئی کندوبزاره اوچه خواهید فرمود ؟ (خنده حضار)

تخفیفی که‌از این‌راه در بودجه ما میخواهند بدهند بعرضی بهمین تناسب است وصرفه‌جوئی‌را که کسی روانمیدارد که بعقیده‌ترین‌افرادیك‌مات متمدن‌پیشنهاد کند بدوان فرانسه تکلیف میکنند

چون معلوم کردم که صرفهٔ که‌از این‌راه عایدمیشودچقدرقلیل‌است اکنون میبینیم کوزبانی که از آن دست میدهد چقدر کثیر است برای اینکه این فقره هم روشن شود بهترازهمه آنست که‌فقط بنکاهها و تاسیساتی که‌از این صرفه جوئی متضرر میشوند بشمارم . نامهای آنهارا یادداشت کرده‌اوازمجلس اجازه میخواهم آنراچهارانوهمین‌شماره‌را از توضیح وتشریح مقصد بی‌نیاز میکند

. . . . . .

برای این‌مقصود ای سروران چه باید کرد ! باید درست مخالف آنچه حکومتها پیش کرده‌اند بکنیم ومخالف آنچه کمیسیون بودجه پیشنهاد میکند تربیت روحی‌رانباید ترقی‌داد مدارس ومنابر وکتابخانه‌ها وموزه‌ها وتئاترها را باید افزون ساخت برای کودکان پرورش‌خانه‌ها و برای بزرگان فراغت‌خانه‌ها باید آماده کرد وهرکوشه‌ای که‌آنجا آموزش و فکر در کار باشد مردم خواهند جمع کنند چیز ادبیکیرند وبهتر شوند . ازهمه‌سو باید روشنائی باذهان مردم تتابید زیرا آنچه مایه هلاکت است تاریکی است وایکاری‌است که‌هر وقت بخواهید بکنید مانع ندارد فرانسه برای نهضت روحانی و عقلانی مستعد است و این نهضت موجود است فقط باید آنرا بکار انداخت و اداره کرد زمین‌حاضر است باید آبادش کرد پرورش عقل‌هم کاملا مانند پرورش خاك‌است واین عصرمستعد و مایه دار است عقل‌رانهم واستعداد کمی‌ندارد آنچه کی‌داود تشویق وتربیت است باید قوه را بفعل آورد این‌صنعت بامحبت رامین بحکومتهای پیشین‌هم میدادم آنها عمل نکردند شما بکنید

بنابراین‌من‌همه صرفه جوئی‌هائی‌را که‌مربوط علم‌وادبیات‌صنایع‌است و باآنها زیان میرساند ردخواهم کرد وبکسانی که‌این گزارش‌را دهاند میگویم اشتباه کرده‌اید در پول امساك میکنید نداشتید که‌این امساك درشرافت خواهد بود و من‌برای شرافت فرانسه و این حکومت مقتضی‌نمیدانم رد‌میکنم (تصدیق حضار)

ازصفحه ۳۱۳ آئین سخنوری

چاپخانه داد

www.iran-archive.com